



گشایش روز جمعه ۲۴ مرداد ۹۳ از ساعت ۱۶ الی ۲۱  
بازدید همه روزه تا ۱۰ شهریور ۹۳ از ساعت ۱۷ الی ۲۰

---

شهرک غرب . میدان صنعت . خیابان حسن سیف . کوچه دوم . پلاک ۷  
۸۸۰۷۵۲۶۸ . ۸۸۰۹۳۲۵۵ . ۸۸۳۶۴۹۷۴







قصر نور عدد

بعد از آن نقشه ای از پلان طبقه همکف قصر "نور عدد" در لارسا موجود است که آن نیز متعلق به مصریان است و تاریخ آن به سالهای ۱۸۵۰-۱۸۶۵ قبل از میلاد مسیح باز می گردد.

و باز هم نقشه ای بی نظیر از یک آبنما با نمای درختان در چهار طرف آن از مصریان داریم که این باغ در تیس واقع شده و متعلق به ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد است. این سبک نقاشی که به بصورت کودکانه پلان را با نما در می آمیزد مورد استفاده بسیاری از معماران در سالهای آتی بوده است. حسن فتحنی که خود نیز مصری بود نقاشی های بسیاری به این سبک تولید

باغ معبد ال دیر

نمود که محبوب ترین آنها برای من اسکیزی است که از خانه عبدالرزیک کشیده است.

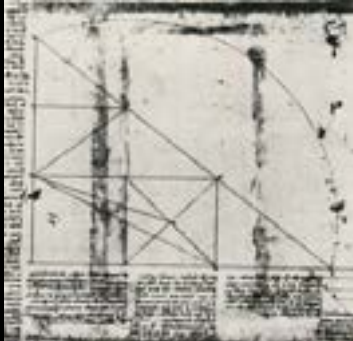
در این بین نقاشی نادر اردلان، که خود او شیفته آثار حسن فتحنی بود، از باغ فین کاشان که در کتاب "حسن وحدت" به چاپ رسیده است را نیز بسیار می پسندم.

تمدن یونانی معماری را به اوج شکوفایی هنر و علم رساند و انتظار می رفت که نقاشی های استادانه ای از بناهایی که ساخته اند به جا گذاشته باشند، اما متأسفانه مدرکی از چنین نقاشی هایی باقی نمانده است. برخلاف آن گنجینه ای از نقاشی معمارانه از تمدن رومی توسط وینر ویوس کشیده شده است. در این بازنگری خلاصه تاریخی نمی توان از لئوناردو داوینچی ذکر خیر نکرد. بنظر من تجزیه و تحلیل هندسی اش از مربع و دایره بسیار تأثیر گذار بوده است و بدون تردید لوکوربوزیه آن را مطالعه حلزونی وار مربع های مجموعه فیوناچی اش را ترسیم کند.



## یادداشت دیر نمایشگاه

از ابتدای تاریخ، از صد هزار سال پیش که بشر در غارها و با کپرهای دست ساز ابتدایی سکنی گزید، تا به امروز که در پیچیده ترین بناها زندگی میکند، انسان در کبر معماری بوده و تا ابد نیز با معماری خواهد بود. اما سؤال این است: نقاشی کشیدن برای برنامه ریزی و طراحی بناها از چه زمانی آغاز شد؟ اولین نقاشی معمارانه موجود، پلان باغی است، متعلق به مصریان باستان، که در ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر روی سنگ چکاکی شد و در واقع می توان گفت تقریباً همان باغی است که جلوی معبد "ال دیر" در ممفیس ساخته شده است.



اسکس لئوناردو داوینچی

متاسفانه این رابطه به راحتی با صفحه رایانه بوجود نمی آید، زیرا رایانه از افکار مبهم عاجز است.

در این اواخر در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه ییل همایشی بود با موضوع ارزش اسکس های معماری<sup>۵</sup> و این سوال را مطرح می کرد که آیا این نوعی هنر گمشده است یا خیر؟ طبیعتا مایکل کریوز یکی از سخنران اصلی این همایش بود، زیرا او یکی از نادر معمارانی است که نقاشی هایش از بناهایی که ساخته است معروف تر و مهم تر است. نقاشی هایش در گنجه های موزه های بزرگ نظیر مترو پلین، موما و حتی موزه هنرهای معاصر تهران و... قرار گرفته اند. کریوز می گوید "که سه نوع نقاشی معمارانه داریم: نقاشی ارجاعی، نقاشی آماده سازی و نقاشی تثبیت شده." او می گوید: "نقاشی تثبیت شده پیشرفته و نهایی است و در زمان ما تقریبا همه جا با رایانه ترسیم می شود. نقاشی ارجاعی مشابه یک یادداشت تصویری است، سندی است از اکتشافات معمار، که می تواند شبیه یادداشتی تند نویسی شده از یک طرح مفهومی باشد، یا جزئیات یک طرح بزرگتری را آشکار سازد. ممکن است همیشه واقعیاتی را نمایان نسازد زیرا سعی دارد ایده ای را جذب کند ...



باغ مصر باستان در تس

آغاز، اشکال بسیار مبهم و گنگ هستند اما رفته رفته واضح تر می شوند. کشیدن نقاشی معمارانه یک فرآیند فکریست. ما معماران برای شروع ابتدا چند خط روی کاغذ پوستی می کشیم که معمولا یک پلان است. طرح های اولیه اغلب غیر واضح و فقط برای خود معمار مفهوم اند. اما بعد روی آن یک لایه پوستی دیگری می گذاریم و خط های درست را حفظ نموده و خط هایی که به نظر غلط و نامناسب هستند را حذف می کنیم و این کار را آنقدر ادامه میدهیم تا به طرح دلخواه مان برسیم.

در مورد خود من معمولا این روند تا هفت یا ده لایه پوستی ادامه پیدا میکند و بین هر لایه پوستی چندین روز زمان می گذرد. نقاشی را روی میز می گذاریم و می رویم و باز میگردیم... و بدقت بیشتری آن را نگاه می کنیم و اصلاح می کنیم و زمانی که همه ایهامات آن برطرف شد آن را با رایانه ترسیم می کنیم.

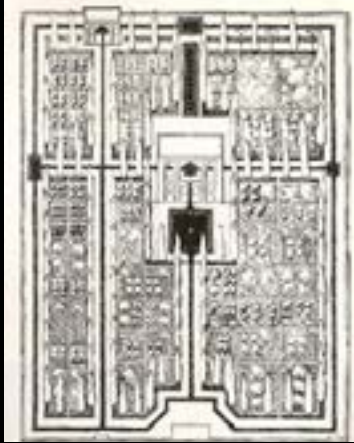
هنگام کشیدن یک نقاشی معمارانه این دست ماست که به ما کمک می کند تا آنچه را که در ذهن خود تصور می کنیم متبلور شود. رابطه عمیق و مستقیمی بین آنچه که دست آن را می کشد و ذهنی که آن را تصور میکند وجود دارد ولی



خانه عبدالرزق - حسن فتحی

و اما در مورد کشور خودمان، از تمدن ایرانی قبل از دوره صفوی موفق به پیدا کردن نقاشی معمارانه ای نشده ایم. هر چند گمان میکنم که استاد معماران ایرانی برای ساختن بناهای باشکوه و با چنین پیچیدگی هندسی دقیقی می بایست پلان و نما کشیده باشند تا بتوانند آنها را اجرا کنند، اما تصور نمی کنم که برای بناهای خود مقطع کشیده باشند، زیرا راه پله ها بزرگترین نقص همه این بناهاست در غیر این صورت راه پله هایی که بسیار مشکل ساز و دارای اندازه های نامناسب و با ارتفاع بیشتر از استاندارد اند هرگز اجرا نمی شدند. و شاید برای اولین بار استاد معمار ایرانی زمان ساخت قصر عالی قاپو چندین مقطع از بنا رسم نموده و ارتفاع مناسب را برای پله ها محاسبه کرده است. این بنا اولین ساختمان "بلند مرتبه" معماری ایرانی محسوب می شود که دارای هفت طبقه است. اولین نقاشی معمارانه که توانستم پیدا کنم، پلان باغ فرح آباد (اصفهان) است که تقریبا در همان زمان از کتابخانه ملی فرانسه سر در آورد.

لحظه ای که نقاشی معمارانه می کشیم لحظه ای بسیار شاعرانه است، چون در آن لحظه است که افکارمان شکل عینی و واقعیت به خود می گیرد. در لحظه



باغ فین کاشان



قبرستان مودنا - الدوروسی

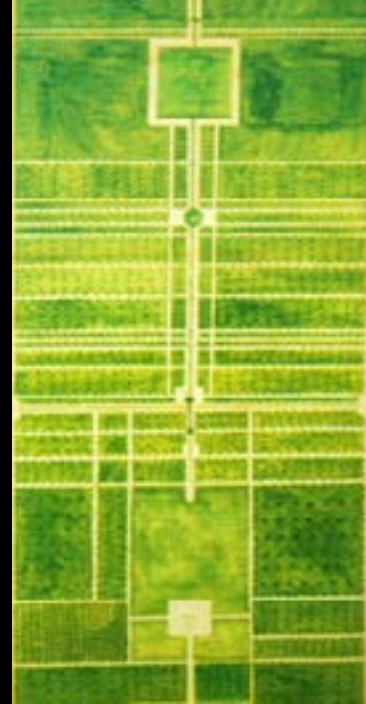
معماران ایرانی را برای گنجینه هایشان خریداری می نمودند. در ضمن خیلی مایل بودم که این نوع نقاشی ها وارد بازار هنر معاصر پر رونق ایران شوند. تکنیک کاملاً متفاوت نقاشی های این سه معمار، گریوز، آیزرمن و استرن، من را بر این واداشت که برای این نمایشگاه نیز سبک های مختلفی اتخاذ نمایم، طیف وسیعی که از چند خط ساده شکل گرفته تا نقاشی رنگی کامل. هر معمار تکنیکی را انتخاب می کند که بهترین شکل حال و هوای فضایی را که در ذهنش می بیند بیاقربند. در این نمایشگاه نگاه من به معماری نیست، معماری این آثار را

اما محتوای حسی طرحی که از کار دست مشتق شده است را ندارند." و من کاملاً در این زمینه با نظر وی موافقم و حتی اضافه میکنم که برای من اسکیس های "دست ساز" جذاب تر و هنری تر از نقاشی طرح های رایانه ای هستند. دو طرح زیر از نمای کتابخانه مرکزی دنور اثر خود گریوز، این نکته را بخوبی نشان میدهد.

برخی از معمارانی که زیباترین اسکیس های معماری را کشیدند و آنها را بصورت کتاب چاپ نموده، و این رسم را به اوج هنری خود رسانده اند، عبارتند از آلدو روسی، لئون کریز و البته مایکل گریوز. ایده راه اندازی این نمایشگاه وقتی شکل گرفت که به دادگاه بین المللی لاهه رفتم، در مهر ماه ۱۳۹۲ مسئول بودم نقاشی های معمارانی که موزه هنر های معاصر قبل از انقلاب خریداری نموده بود را ارزیابی کنم. چاپ های بسیار خوبی از این نقاشی ها دیدم، آثاری از مایکل گریوز، پیتر آیزرمن و روبرت استرن، آنجا بود که فهمیدم اسکیس های معماران خودمان هیچ دست کمی از آنها ندارند و به این فکر افتادم که چه خوب میشد اگر موزه های خودمان هم اسکیس های



کتابخانه دنور - مایکل گریوز



باغ فرح آباد اصفهان

این نوع نقاشی به من بادآوری میکند که چرا در وحله اول بفکر ثبت کردن آن افتادم... این رابطه "احشائی" یا رایانه هرگز بوجود نمی آید." و بالاخره، نقاشی آماده سازی را به سبکی که من در ابتدا توضیح دادم توصیف می کند، که چطور لایه لایه طرحی شکل می گیرد. در پایان او بر تفاوت بنیادی بین اسکیس دستی و نقاشی های رایانه ای تاکید می کند: "بنظرم این (طراحی باد دست) کاملاً متفاوت است با (طراحی پارامتریک) که اجازه می دهد رایانه که از تعدادی دستورالعمل شکل تولید کند ... این طرح ها پیچیده و جالب هستند

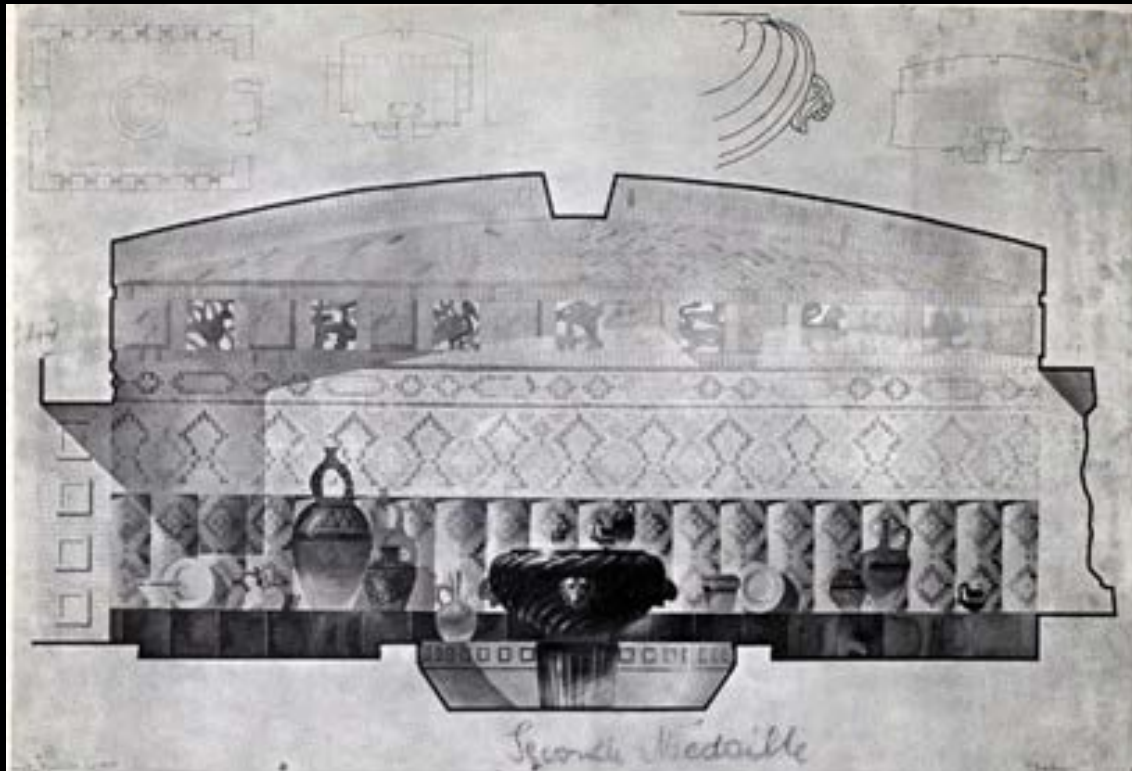
قضایوت نمی‌کنم بلکه به سبک نقاشی‌های پدید آمده که کار دست معروفترین معمارانمان هستند، می‌پردازم. نخستین نمایشگاه اسکس‌های معماری، فقط به پروژه‌های معمارانه می‌پردازد و شامل هر نوع اسکس از مناظر و اینبه و حتی پورتره با طبیعت بی‌جان نمی‌شود چنین نمایشگاهی توسط مرحوم معصوم سیحون در اوائل انقلاب برگزار شده بود. تمام تلاشم را کردم تا نقاشی‌های

هوشنگ سیحون و محسن فروغی را از بناهای شاخصشان پیدا کنم، اما متأسفانه موفق نشدم. در اینجا هشت معمار را انتخاب کردم که اکثر شاگردان مرحوم سیحون بودند و تقریباً در یک رده سنی هستند. ازین که چهار معمار در این میان نیستند هم متأسفم. عزیز فرمانفرمایان و سید هادی میرمیران که نقاشی‌هایشان در کبر انحصار و وراثت هستند، و علی سردار افخمی و کامران دیبا که آثارشان اوائل انقلاب ثبت شده و در دسترس

نیستند.

در انتها این نمایشگاه را به مرحوم سیحون پیشکش میکنم زیرا او نخستین معمار ایرانی بود که گنجینه معماری ایران چشم او را گرفت و این عشق را به شاگردانش منتقل نمود که اکنون بخشی از آثارشان در این نمایشگاه گرد هم آمده است. سیحون واقعاً استاد نقاشی بود، همانطور که شناسی دوران بوزار او گواهی میدهد و جایزه دوم را در آن سال تحصیلی برای او به ارمغان آورد.

شناسی دوران دانشجویی هوشنگ سیحون







# نمایشگاه

اسکیس های معماری ایران



## حسین امانت

Hossein Amanat

Hossein Amanat was born in 1942 in Tehran, graduated from the School of Fine Arts of Tehran University and was a student of Seyhoun's.

In 1966 he won the competition to build the Azadi Monument (Shahyad) which is in a Modern-Iranian style and is at the same time the iconic building of the Shah's Great Civilization and the Islamic Republic's symbol of Freedom. Some of his other monumental works include the central building of the Iranian Cultural Heritage Organization and the National Museum in Tehran.

After the Revolution he migrated to Canada, founded his own architectural firm in Vancouver where he has realized many projects in Canada, the US, China, etc...

حسین امانت، متولد ۱۳۲۱ تهران، فارغ التحصیل دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران و از دانشجویان سیحون است. در سال ۱۳۴۵ برنده مسابقه برج آزادی شد (برج شهیاد) که به سبک « مدرن ایرانی» ساخته شده است و هم نماد «تمدن بزرگ» شاهنشاهی و هم نماد آزادی جمهوری اسلامی به شمار می رود. از سایر بناهای او باید به ساختمان مرکزی میراث فرهنگی و موزه ملی اشاره نمود. پس از انقلاب به کانادا عزمت کرد و در ونکوور شرکت معماری خود را تاسیس نمود و پروژه های متعددی در کانادا، آمریکا، چین... به اجرا در آورده است.



28 cm x 22 cm  
Watercolor on cardboard

Hossein Amanat is a child prodigy, becoming a famous architect at the age of 24, and then the builder of the most iconic monument of contemporary Iran. I have no doubt he was a great sketcher for he was one of Seyhoun's favorite students, and in those days, if you did not draw well, you could not be a good architect. Unfortunately all of his pre-Revolution drawings have been lost. Having now lived in Canada for over thirty years, he is well aware of the value of his sketches, and three of the sketches presented in this exhibition are elaborately finished with watercolor. But there are also rougher study sketches, as in the Kettner Tower in San Diego or the Legacy Towers in Vancouver, but even in those he has applied colored-pencil touches to make them more artistic and make us feel the atmosphere of the architecture. The top of the Kettner Tower is quite reminiscent of Frank Lloyd Wright's sketching.



حسین امانت جوان نابغه ای است که در سن ۲۴ سالگی معمار معروفی شد و تا به امروز ساختمان برج آزادی او نماد ایران معاصر باقی مانده است. مطمئناً نقاش بسیار خیره ای بوده است زیرا یکی از محبوب ترین شاگردان سیحون بوده و در آن زمان اگر نقاش خوبی نبودید نمی توانستید معمار خوبی باشید. متأسفانه همه اسکیس های قبل از انقلاب او از دست رفته اند. پس از سی سال زندگی در کانادا او ارزش اسکیس های خود را بخوبی می شناسد و سه اسکیس منتخب برای این نمایشگاه با آپرنک تکمیل شده اند. اما اسکیس های نا تمام هم در این نمایشگاه ارائه شدند، مانند برج کتنر در سن دیگو یا برج های لگاسی در ون کوور، که حتی این اسکیس ها نیز با مداد رنگی کمی هنری شده اند تا حال و هوای معماری را به بیننده منتقل کنند. طراحی و سبک نقاشی سر برج کتنر اسکیس های فرانک لوید رایبیت را تداعی میکند.



## نادر اردلان

Nader Ardalan

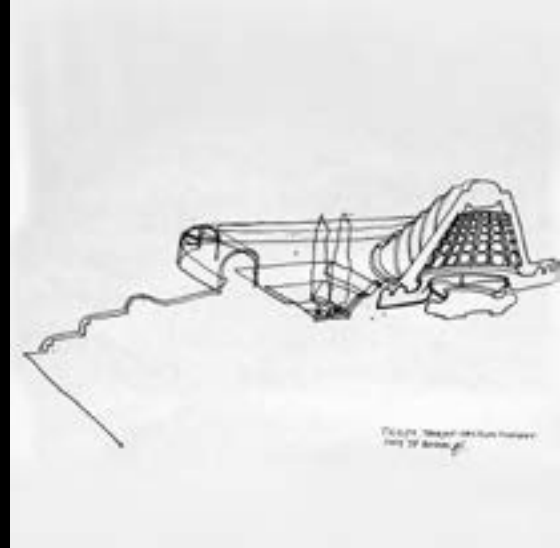
Nader Ardalan was born in 1939 in Tehran, grew up in the US from the age of 7, and studied Architecture at Carnegie Mellon and Harvard University with Jerzy Soltan. For many years he collaborated with Aziz Farmanfarmaian, and was the project architect for many seminal buildings there: the 100,000 seat Stadium, the Behshahr Industrial Group Building, the Imam Jafar University (Joint Center for Management with Harvard University)...

In 1974 he founded his own architectural firm, "Mandala" and some of the most important projects he then realized are the Bou Ali Sina University in Hamedan, Pardisan, Mahshahr New Town...

He wrote SENSE OF UNITY jointly with Laleh Bakhtiar and in this book, for the first time, the mystical aspects of Iranian Architecture are rationally analyzed in detail. After the Revolution he built many projects in Koweit and he is now a Senior Research Associate at the Harvard Graduate School of Design where he works on Sustainability in the Persian Gulf countries. He was a member of the Steering Committee of the Aga Khan Award for Architecture during its first cycle.

نادر اردلان، متولد ۱۳۱۷ تهران، از سن هفت سالگی در امریکا بزرگ شده است. او فارغ التحصیل کارتنکی ملون و هاروارد و از دانشجویان پرزوی سلطان بوده است. سالیان طولانی همکار عزیز فرمانفرمایان بوده است و مسئول چند پروژه نمادین در آن زمان، مانند استادیم ۱۰۰ هزار نفری آزادی، ساختمان گروه صنعتی بهشهر، دانشگاه امام جعفر صادق...

در سال ۱۳۵۵ مهندسان مشاور «ماندالا» را تاسیس نمود و از کارهای مهم آن دوره دانشگاه بو علی سینا همدان، پردیسان و شهر جدید ماهشهر را می توان نام برد. با همکاری لاله بختیار کتاب «حس وحدت» را نوشت که بصورت عارفانه رمز و راز معماری ایران را می گشاید. پس از انقلاب پروژه های متعددی در کویت اجرا نمود و اکنون در دانشگاه هاروارد مشغول تحقیق راجع به پایداری در کشور های خلیج فارس است. او یکی از اعضای شورای سیاستگذاری اولین دوره جایزه آقاخان بوده است.



26.5 cm x 19.5 cm  
pen on drawing paper

Having worked with Nader Ardalan in Mandala, I recall that he almost always used an ink-pen to do his architectural sketches. However I have now seen recent sketches where he also uses colored magic markers to enliven his drawings. Many of his sketches are now in the Permanent Collection of the Avery Library at Columbia University. He definitely has a very strong hand for showing the architectural forms he wants to create. Most of his sketches are rationalized expressions of specific forms. His most poetic drawings are the plans-elevations combined in the naïve perspective- like we see in Persian miniatures, like his proposal for New Tabbas after it was destroyed by an earthquake in 1978. Ardalan has a rational view of Iranian architecture, not at all like Seyhoun's students who acquired an emotional relationship with Iranian architecture during their field trips. The traces of a Western-trained rationalist mind can be seen in his drawings.

از آنجا که در دفتر نادر اردلان کار کردم، بیاد دارم که او همیشه با خودنویس اسکیس های خود را می کشید. اما اخیراً چند طرح از او روی پوستی دیده ام که با ماژیکهای رنگی کار کرده است. بسیاری از اسکیس های او اکنون در مجموعه کتابخانه آیوری دانشگاه کلمبیا قرار دارند. دست بسیار قوی ای برای کشیدن اشکال معماریانه دارد و اکثر اسکیس های او بیان منطقی اشکالی ست که می خواهد بیافریند.

شاعرانه ترین نقاشی های او همان پلان ها و نماهای آمیخته در هم است که پرسپکتیو ناشیانه مینیاتورهای ایرانی را تداعی می کند، مثل اسکیسی که برای بازسازی طبرس کشیده است.

اردلان دیدی منطق گرا به معماری ایرانی دارد، بر خلاف دانشجویان سیحون که رابطه ای احساسی با آن دارند. تأثیر ذهنیت منطق گرای غربی او در نقاشی هایش به وضوح دیده می شود



## ایرج کلانتری طالقانی

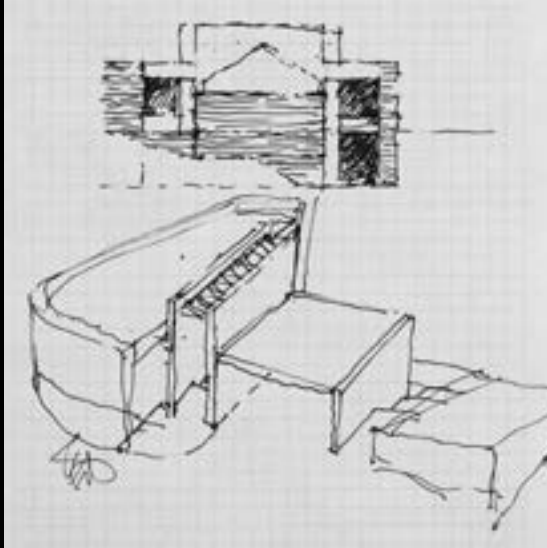
Iraj Kalantari Taleghani

Iraj Kalantari Taleghani was born in 1938 in Tehran, graduated from the School of Fine Arts of Tehran University and was one of Seyhoun's students.

He founded and directs his architectural firm, "Bavand" which is recognized as one of the most important architectural and City Planning firms in Iran. He has been very active in institutions and organizations which deal with architecture and city planning and is responsible for much of the legislation which regulates these two professions. He was nominated "Architect of the Year" in 2005 and was recently awarded the equivalent of a "Legion d'Honneur" by President Rohani.

He has taught at Tehran, Science and Technology and Islamic Universities for over twenty years. He has been a Jury member on many occasions and has won the first prize in many architectural competitions, such as the New Building of the National Oil Company. Some of his most well-known projects are the Imam Khomeini Airport, Imam Khomeini University in Qazvin, Islamic Republic of Iran's Embassy in Georgia...

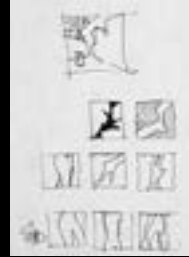
ایرج کلانتری طالقانی، متولد ۱۳۱۶ در تهران، فارغ التحصیل رشته معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ و از دانشجویان سیحون است. او مؤسس و رئیس هیئت مدیره مهندسان مشاور باوند (از سال ۱۳۵۳ تاکنون) است که یکی از مهمترین مشاوران ایران است. کلانتری همواره در مجامع حرفه ای و شهرسازی فعالیت داشته و در قانون گذاری قوانین و شکل گیری این مجامع بسیار تأثیرگذار بوده است. در سال ۱۳۸۴ به عنوان معمار سال و در سال ۹۳ به عنوان معمار برجسته کشور از سوی رئیس جمهور نشان فرهنگ دریافت نموده است. او بیست سال سابقه تدریس معماری در دانشگاه های تهران، علم و صنعت و آزاد اسلامی دارد و همچنین داوری مسابقات و جوایز معماری متعددی را به عهده داشته است. وی در مسابقات بسیار رتبه اول را کسب نموده است، مانند ساختمان جدید شرکت نفت ایران. در کارنامه او ساختمانهای بسیار مهمی قرار دارند از جمله فرودگاه بین المللی امام خمینی، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، سفارت ایران در گرجستان و ...



15 cm x 16 cm  
Felt - pen on paper

Iraj Kalantari's purpose in drawing architectural sketches is not to create artistic products, but rather to rationalize, give scale and right measurements to his already most logical thoughts. He definitely is a rationalist architect, the only one in this group who uses checkered paper to draw on.

I have seen his non-architectural drawings and paintings – he was one of the architects who participated in Massumeh Seyhoun's exhibition – and they have very strong compositions and look quite finished using color in a very masterly way. But I find these rough sketches much more emotional and free-spirited, especially his study for winding street patterns where he has followed Leon Krier's fashion of inserting each drawing into a square.



ایرج کلانتری با این هدف نقاشی نمی کشد که یک شی هنری بیافریند، بلکه درصدد پی ریزی افکار منطقی خود است: می خواهد مقیاس و اندازه های درست افکار منظم خود را ساماندهی کند.

بدون شک او معمار نیست «اسیونالیست» و تنها فردی است که روی کاغذ شطرنجی اسکیس کشیده است.

نقاشی های غیر معمارانه او را نیز روئیت نمودم، که با آبرنگ بصورت بسیار ماهرانه و ترکیب بندی قوی ترسیم شده اند و آثاری کاملاً تثبیت شده بودند. او یکی از معمارانی بود که در نمایشگاه معصومه سیحون شرکت داشت. اما برای من همین اسکیس های ناتمام بسیار جذاب تر هستند، زیرا خط های لرزان آن بصورت حسی و آزادانه ترسیم شده اند، بخصوص اسکیس کوچه های پیچ در پیچ او که به سبک لئون کریئر در قاب های مربع قرار گرفته اند.



## بهرام فریور صدیری

Bahram Farivar sadri

Bahram Farivar Sadri was born in 1937 in Shahreza (near Isfahan), graduated from the School of Fine Arts of Tehran University and was one of Seyhoun's students.

He studied Regional Programming in Nagoya, Japan and founded his own architectural and City Planning Firm, "Sharestan" in 1975 and has been its CEO ever since.

He is a member of most Organizations and Councils which deal with city planning and has designed the Master Plans for many Iranian cities, namely Kerman, Bandar Abbas, Sirjan....

He has been a Jury member on many architectural competitions and prizes and Sharestan has won many important competitions.

He has translated and written several books on the subject of urban programming.

بهرام فریور صدیری، متولد ۱۳۱۶ شهر رضا، فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و از دانشجویان سیحون بوده است.

در ناگویا ژاپن دوره برنامه ریزی منطقه ای را طی نموده است. او در سال ۱۳۵۴ مهندسان مشاور شارستان را تاسیس نمود که یکی از بزرگترین مشاوران شهرسازی ایران محسوب می شود و تا امروز سمت مدیر عامل آن را حفظ نموده است.

او در بسیاری از مجامع حرفه ای معماری و شهر سازی عضو بوده است و در سیاست گذاری آنها بسیار تاثیر گذار . شارستان مسئول طرح های جامع متعددی است که می توان در آن میان از طرح جامع کرمان، بندر عباس، سیرجان و ..... نام برد.

وی به عنوان داور در مسابقات و جوایز معماری متعددی حضور داشته است و شارستان برنده مسابقات معماری زیادی نیز شده است.

وی چندین کتاب تالیف و ترجمه نموده است که اکثر آنها در مورد برنامه ریزی شهری تالیف شده اند.





17 cm x 19 cm  
Ink - pen on paper

Sadri was also one of Seyhoun's students and quite capable a draftsman and artist. Six of these sketches are designs for a Memorial Monument – very akin to Azadi monument – which was their last year's project in school. He considers himself more of a city planner than an architect and has not conserved many of his architectural sketches.

His sketches are drawn with black ink-pen on straw paper in a small drawing pad.

Yet in spite of being quite cursory, each drawing shows the monumental quality of the design and captures even some sense of atmosphere. I have also included one urban design project where he has used pencil and colored magic markers because it definitely has artistic qualities.

بهرام فریور صدري نیز یکی از شاگردان سیحون بوده است و «دست خط» بسیار قوی ای داشته است. شش اسکیس منتخب مربوط به «بنای یادبود» می باشد که بعنوان آخرین پروژه معماری دانشجویی انجام داده است و کمی برج آزادی را تداعی می کنند. او خود را شهرساز می داند و نه معمار و متأسفانه اسکیس های بسیار اندکی از آثار دست خود حفظ نموده است. اسکیس ها در ابعاد بسیار ریز با خودنویس روی کاغذ گاهی کشیده شده اند. اما علیرغم اینکه خطوط، بسیار اندک هستند، مجلل بودن بناها کاملاً تداعی می شوند و حتی حس و حال آن نوع معماری نمادین را منتقل می کنند. یکی از پروژه های طراحی شهری او را نیز اضافه نمودم زیرا در آن با استفاده از مائیکهای رنگی یک اثر کاملاً هنری آفریده است.



## علی اکبر صارمی

Ali Akbar Saremi

Ali Akbar Saremi was born in 1943 in Zanjan, graduated from the School of Fine Arts of Tehran University in 1968 and was one of Seyhoun's students. He earned a Ph.D. in Architecture from the University of Pennsylvania, studying with Louis Kahn. In 1980 he founded his own architectural firm, "Tajeer" which is one of the most established firms in Iran. He has taught at Farabi, Tehran and Islamic Universities for over thirty years.

He has written dozens of articles and published several books: his sketches, Perennial Values of Iranian Architecture, his autobiography which combines his memories with his views on architecture...

He has served as a Jury member on many architectural competitions and prizes and has won several competitions.

Some of his most famous buildings are the Afshar House, Islamic Republic of Iran's Embassies in Albany and Algeria, Kermanshah Theater Complex, Bolour Tower in Tabriz...

علی اکبر صارمی، متولد ۱۳۲۲ زنجان است. در سال ۱۳۴۷ از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و از شاگردان مرحوم سیحون بود. دکترای معماری خود را از دانشگاه پنسیلوانیا زیر نظر مرحوم لوئی کان دریافت نموده است. سال ۱۳۵۹ مهندسان مشاور «تجیر» را تأسیس کرده است که هنوز هم پابرجاست و یکی از مہتمرین شرکت های معماری محسوب می شود. تجربه بیش از سی سال تدریس در دانشگاه های فارابی، تهران و آزاد اسلامی را در کارنامه خود دارد.

ده ها مقاله و چندین جلد کتاب به انتشار رسانده است: یک جلد از اسکیس های دستی، «ارزش های پایدار در معماری ایران» و کتاب «تار و پود و هنوز، سرگذشت من و معماری ما» که در آن خاطرات زندگی خود را با تفکر معماری اش آمیخته است. صارمی مسابقات و جوایز معماری متعددی را داورى نموده و برنده چندین مسابقه بوده است.

از ساختمان های شاخصی که او طراحی نموده است خانه افشار، سفارت های ایران در تیرانا، آلبانی و الجزایر، تالار شهر کرمانشاه، برج بلور تبریز .... می توان نام برد.



19 cm x 27 cm  
Ball point pen on drawing paper



Ali Akbar Saremi is again one of Seyhoun's favorite students and has a very strong hand at sketching. However I have rarely seen him use color in any of his drawings. He has a very bad eye sight and I wonder whether he is not color-blind... I must mention that I also suspect Jean Nouvel of being color-blind, just to establish that being sensitive to color is not a prerequisite for becoming a great architect! As one low-vision- eyed person to another one – Louis Kahn used to wear one-centimeter thick glasses – the two of them had more in common than just this defect. Saremi has a poetic and a rational vision of Persian Architecture: he had the best of both worlds, first studying with Seyhoun and going on those famous field trips in the desert, acquiring an emotional link with Persian Architecture, and then living in Philadelphia and working with Kahn and learning how to be analytical and rational.

In that sense he is absolutely unique among Iranian architects.

In most of his sketches you can follow his thought processes and how his architectural forms evolve from simple lines to complex volumes delineated by strong shadows. He is absolutely Modern AND Iranian because of his deep knowledge of East and West.

علی اکبر صارمی نیز یکی از شاگردان محبوب سیحون بوده است. هیچگاه ندیدم او از رنگ استفاده کند. همیشه میدانستم که کم بیناست و از خود می پرسد که آیا ممکن است کور رنگ هم باشد. باید اعتراف کنم که گمان دارم ژان نوول هم کور رنگ است و این را باور دارم که تشخیص درست رنگها لازمه معمار خوب بودن نیست. با استادش لوئی کان که به شدت کم بینا بود و عینک ته استکانی به چشم می زد، نقاط مشترک بسیاری داشت.

صارمی هم بینش شاعرانه و هم منطقی گرا به معماری ایرانی دارد. او از هر دو جهان شرق و غرب سود برده است. در ابتدا با سیحون کار کرد و به آن سفرهای اسطوره ای کویر رفت که تاثیر آن برقراری رابطه احساسی با معماری بومی ایران بود و نیز چندین سال در فیلادلفیا زندگی کرد و شاگرد لوئی کان بود که تمر آن ایجاد ذهن منطقی گرای غربی در وی بود. در میان معمارانمان از این لحاظ او کاملاً یگانه است.

در اکثر اسکیزم های او می توانید فرآیند تفکر معماریش را بصورت منطقی دنبال کنید و ببینید که چگونه با خطوط ساده احجام با سایه گذاری سنتگین، واقعی و زنده شکل می گیرند و زنده و واقعی جلوه می دهد. بواسطه دانش عمیقی که از شرق و غرب دارد او معمار است کاملاً مدرن و ایرانی.



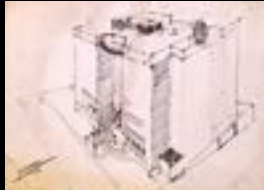
## فرامرز شریفی

Faramarz Sharifi

Faramarz Sharifi was born in 1936 in Tehran, graduated from the School of fine Arts of Tehran University and was one of Seyhoun's students. After a long association with other architectural firms, he founded his own firm in 1993. Most of his works have been published in architectural magazines and he is famous for his great sense of detailing: he designs and executes these original details with great care and accuracy. He has served as a Jury member on many architectural competitions and prizes in Iran and has won many awards and distinctions.

Some of his most famous buildings are his residential complexes in Tehran, Kurdistan Office Building and his own office building in Darrou, both in Tehran.

فرامرز شریفی، متولد ۱۳۱۵ تهران، فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و از دانشجویان سیحون بوده است. پس از همکاری دراز مدت با شرکت های مشاور در سال ۱۳۷۲ شرکت خود را تاسیس نمود و اکثر آثار او در مجلات معماری به چاپ رسیده اند. شریفی جزئیات اجرایی کارهای خود را طراحی می کند و با کمال وسواس و دقت آنها را اجرا می نماید. بارها داور مسابقات و جوایز معماری در ایران بوده است و جوایز و افتخارات بسیاری را دریافت نموده است. پروژه های شاخص او عبارتند از : مجموعه های مسکونی متعدد در تهران، ساختمان اداری کردستان و ساختمان اداری شرکت خود و چند همکار در دروس.



39 cm x 24 cm  
Pencil on drawing paper

Faramarz Sharifi was one of the laureate students of Seyhoun's. He was famous for making great drawings of cars, and most of the other students would come to him to have the cars drawn on their sheets by Sharifi! But unfortunately of the hundreds of sketches he has made on tracing paper during almost half a century of architectural practice, he has preserved very few. These are only a few samples which have been salvaged. He uses mostly black ink-pens, felt pens or magic markers but also pencil as in this elevation with an American car. He is a very masterful draftsman and I peeked through many of his mechanical drawings, meticulously drawn on tracing paper or drawing pads. His lettering is also another aspect of his "American Dream."

فaramرز شریفی یکی از بهترین شاگردان سیحون بوده است. شهرت او در کشیدن ماشین، زبان زد بود و این باعث می شد که سایر دانشجویان برای کشیدن ماشین بروی شاسی هایشان از او کمک بگیرند. متأسفانه از صد ها اسکیز دستی خود در طول چند دهه کار حرفه ای، فقط تعداد اندکی را حفظ نموده است، که این چند نمونه در نمایشگاه ارائه می شوند. او بیشتر از سیاه قلم استفاده می کند، و اخیراً از ماژیک سیاه و رنگی. اتومبیل آمریکایی مجلل بودن فضا را تداعی می کند. رسم او بی نظیر است: من تعدادی از نقشه های که او از جزئیات اجرایی کار های خود هم روی کالک، و هم روی کاغذ کاهی، با مداد کشیده است را دیده ام. دست خط حروف لاتین او نیز بسیار شبیه حرفی است که در آمریکا به خط معمارانه معروف است.



## حسین شیخ زین الدین

Hossein Sheikh Zeineddin

Hossein Sheikh Zeineddin was born in 1941 in Tehran, graduated from the School of Fine Arts of Tehran University and was Seyhoun's student. In 1970 he joined the firm of "Kalantari, Darayi and Associates" which later became the architectural firm of "Bavand", which is one of the largest and most famous firms in Iran for Architecture and City Planning.

He has been a consultant to most Ministries and Councils involved with Architecture and City Planning. He has served as a Jury member on many architectural competitions and prizes, and has also won many architectural competitions, awards and distinctions.

Some of his most famous buildings are the Islamic Republic of Iran's Embassy in Tokyo, Japan and the newly finished residential complex for the Iranian Oil Company in Kamranieh, Tehran.

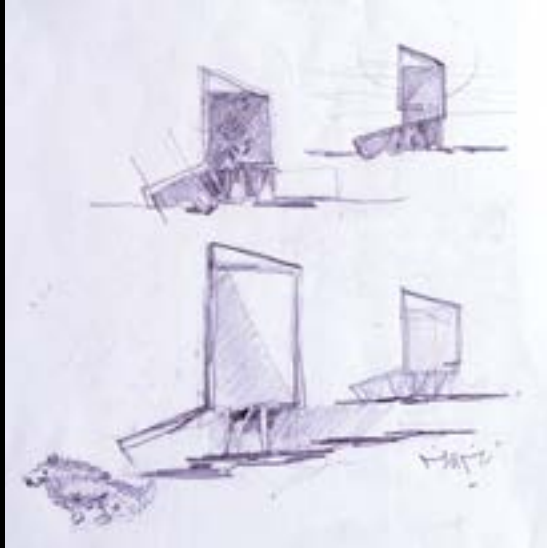
حسین شیخ زین الدین متولد ۱۳۲۰ تهران، فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و از دانشجویان سیحون بوده است.

از سال ۱۳۵۰ به مهندسان مشاور «کلانتری، دارایی و شرکا» پیوست که بعداً تبدیل شد به باوند که یکی از بزرگترین شرکت های معماری و شهرسازی کشور بشمار میرود.

به عنوان مشاور با اکثر وزارت ها و شورا هایی که در کار معماری و شهرسازی دخیل هستند همکاری نموده است.

مسابقات معماری متعددی را برنده شده است و داوری مسابقات و جوایز معماری زیادی در ایران انجام داده است.

شاخص ترین بنا های او عبارتند از : سفارت ایران در ژاپن، ساختمان مسکونی نفت در کامرانیه...



20 cm x 20 cm  
Pencil on paper



23

Of a hundred sketches presented to me by Hossein Sheikh Zeneddin, there were very few which did not have trees, animals or mythical beings half-animal, half-human, or other doodles scattered all over few architectural lines. I suspect most of these drawings are the result of doodling during boring meetings. The few strictly architectural drawings I have selected have been drawn with a mechanical pencil with a very fine pencil tip, probably 0.5mm, on regular A4 paper.

Zeneddin is a great architect with a vivid imagination, and obviously does not care much to produce any finished artistic product by drawing these sketches. The animals and other paraphernalia are the result of the drawing hand while the mind is rambling outside of architectural thoughts.

از میان یکصد نمونه از اسکیس های حسین شیخ زین الدین فقط تعداد محدودی بود که دارای اشکالی از حیوانات، موجودات اسطوره ای نیم حیوانی و نیم انسانی و دار و درختان انبوه پراکنده، اطراف خطوط معماری نباشند. به گمان من او این طرح ها را هنگام جلسات کسل کننده خود می کشیده است.....

از این بین اسکیس هایی را که انتخاب کردم با مداد اتود و نوک بسیار ظریف نیم میلی متری بروی کاغذ A4 کشیده شده اند. زین الدین معمار بزرگی است با قوه تخیل بسیار قوی که به هیچ وجه بدنیاال تولید آثار نقاشی نیست. حیوانات و سایر مخلفات نقاشی هایش را زمانی خلق می کند که ذهنش در تفکرات معمارانه اش مکث کرده است.



## فریدون بدر

Fereydoun Bader

Fereydoun Bader was born in 1948 in Tehran, graduated from Alborz High School and then went to the US to study and stayed there for thirty years. He earned a B.Arch and an M.Arch from the University of Texas at Austin and worked for major architectural firms in Houston and for SOM in Chicago for ten years, and earned them many distinctions and a Gold Medal from AIA. Some of the most important projects he built in the US are the Marathon Oil Building and the chain of Memorial Hospitals. He then co-founded the architectural firm of "Prozign" in Houston. He has been back to Tehran for over ten years and has co-founded the architectural firm "Gamma" with Faryar Javaherian.

فریدون بدر متولد ۱۳۲۶ تهران است و پس از اتمام دوره متوسطه در دبیرستان البرز عازم آمریکا شد و سی سال آنجا ماند. او در آستین دریافت نمود و در شرکت های بزرگ معماری هیوستن و اس-او-ام در شیکاگو بیش از ده سال کار کرد که برای آنها چندین مسابقه و یک مدال طلا AIA به ارمغان آورد. از پروژه های مهمی که در آمریکا اجرا نموده است می توان از ساختمان «ماراتون اویل» و بیمارستان های زنجیره ای «مه موربال» نام برد. سپس شرکت خود را با نام «پروژاین» در هیوستن تاسیس نمود.

بیش از ده سال است که به ایران بازگشته است و همراه فریار جواهریان مهندسان مشاور «کام ما» را تاسیس نموده است.





13 cm x 10 cm  
Color pencil on tracing paper

Fereydoun Bader is a masterly painter, his father, although a doctor was a student of Kamal-ol-Molk school and quite good an artist and collector. Painting and drawing was a daily activity in the Bader household. As a child he was trained to make oil copies of the great masters like Monet, Van Gogh... One of his copies of Diego de Rivera's paintings is much more alive than the original! So before even becoming an architect, Bader was a painter. Although all six works presented in the exhibition are study drawings for projects which were never realized, he has taken great care to present them in a finished fashion.

He usually draws with a magnifying glass and has miniature details in every corner of the work. His use of color, shadowing and his very delicate pencil lines create the mood of specific spaces very forcefully. The perspectives he draws by hand are usually much more evocative and alive than the same works rendered in 3D Max by the computer.

فریدون بدر واقعا نقاش است. پدرش علی رغم اینکه پزشک بود، از شاگردان مکتب کمال الملک بود و او را به نقاشی تشویق نمود و از بچگی در خانه بدر همه مشغول نقاشی بودند. از جوانی با رنگ و روغن روی بوم آثار نقاشان معروف مثل مونه و ون گوگ را کپی می کرد و یکی از بهترین کپی هایش «از دیگود ریورا» حتی از اصل نقاشی هم زنده تر و بهتر است. بنابراین او قبل از اینکه معمار شود، نقاش بوده است. هر شش اسکس منتخب نمایشگاه مربوط به پروژه هایست که اجرا نشدند، اما با این حال با وسواس و جزئیات کشیده شده اند.

مثل مینیاتوریست ها با ذره بین نقاشی می کند و هر گوشه کار پر از جزئیات ریز است. استفاده او از رنگ، سایه زنی و خطوط بسیار ظریف مداد دقیقا حال و هوای فضاهای خاص را تداعی می کند. پرسپکتیوهایی که او با دست می کشد معمولا زنده تر و قابل لمس تر هستند.

# Exhibition

of Iranian Architectural Sketches



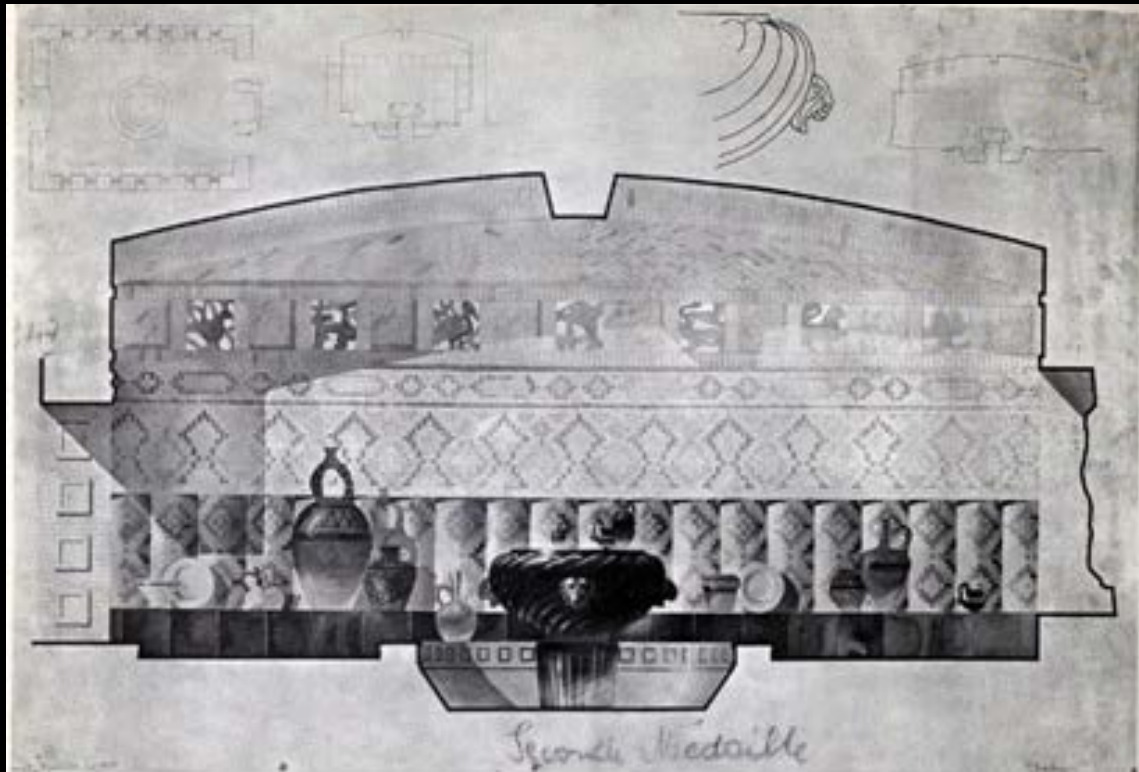
any sketch of historic buildings or landscapes, or even portraits or still-lives, Massumeh Seyhoun once had had such an exhibition at the beginning of the Revolution at the Seyhoun Gallery in Tehran— I would very much have liked to include Houshang Seyhoun's and Mohsen Foroughi's sketches for their built projects, but unfortunately was not able to get them. I have chosen eight architects who for the majority were Seyhoun's top students and are in

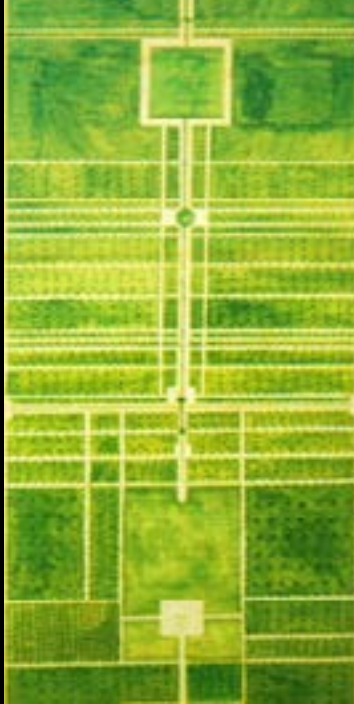
the same age range. I regret the absence of four other architects: Aziz Farmanfarmaian's and Seyed Hadi Mirmiran's sketches are quite missing, but in both cases, the deceased's works are now sequestered for heritage questions; Ali Sardar-Afkhami's and Kamran Diba's drawings were confiscated at the beginning of the Revolution and are not yet accessible.

Finally I want to dedicate this exhibition to Houshang Seyhoun who

was the first Iranian architect whose eye was caught by the treasures of our past architecture and who inculcated this love to many of his students whose works are now on display in this exhibition. He truly was a master draftsman as illustrated by this early Beaux-Arts sketch which won him a Second Prize.

*Student work, Houshang Seyhoun*





*Farahabad Garden in Isfahan*

presentation by forcefully underlining the difference between computer drawings and handmade sketches: "I find this (handmade design) quite different from 'parametric design,' which allows the computer to generate form from a set of instructions...The designs are complex and interesting in their own way, but they lack the emotional content of a design derived from hand." I could not agree more with him, and I would even further add that to me, rough handmade sketches are far more artistic and interesting than the final "definitive" sketches produced by computers, as these two

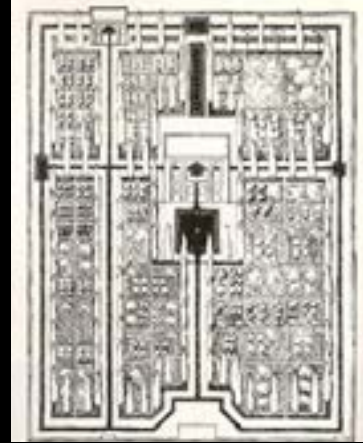
facades of the Denver Central Library, designed by Michael Graves, illustrate.

Some of the contemporary architects who have drawn the most refined sketches and published them in books and elevated this practice to the domain of art, are Aldo Rossi, Leon Krier and of course Michael Graves.

The idea for curating this exhibition came to me when I went to The Hague International Court in October 2013 to appraise architectural drawings bought by the Tehran Museum of Contemporary Art before the Revolution. While there I saw very good prints of these drawings, by Michael Graves, Peter Eisenman and Robert Stern and I realized that we have just as good sketches as these by Iranian architects. I thought it would be such a feast if we convince our own museums to acquire architects' drawings. I am also very interested in introducing these drawings in the flourishing contemporary art market of Iran. The totally different techniques of drawing of these three architects – Graves, Eisenman



*Denver Central Library-Michael Graves*



*Fin Garden in Kashan*



*Modena Cemetery, Aldo Rossi*

and Stern – also prompted me to select architects' drawings with a wide range of techniques, from a few simple lines to almost complete paintings. Each architect chooses the technique best suited to his point of view for creating the atmosphere or mood of specific spaces he has envisaged in his mind. In this exhibition I am not trying to judge the architecture of these drawings, but am simply presenting the various techniques of drawing of some of our most famous architects.

For this first exhibition of architectural sketches of projects – and not just



*Abd el Razik House-Hassan Fathy*

Iran before the Safavid era, although I suspect that the ostad memars would draw accurate plans and elevations in order to build such intricate and precisely geometric buildings, but my suspicion is that they never drew sections, because stairs are the main defect of Iranian architecture: they are abrupt, twining and crooked and not easy to climb. Perhaps with the building of Ali Qapu Palace, did the Iranian memar calculate properly for the first time the height of stairs, and because it is a seven-storey building, there might have been drawings of the various sections of the buildings. The earliest architectural drawing I have been able to find is the plan of the Farahabad Garden in Isfahan, which turned up in the French National Library at a very early date.

What happens when we draw an architectural sketch is a very poetic moment, the moment when ideas try to take on a shape, and these shapes are at first very ambiguous, not well-defined, and then little by little they become more defined. Architectural sketching is a thought process. We architects begin by drawing some lines – usually a plan – on tracing paper. The first drawing is

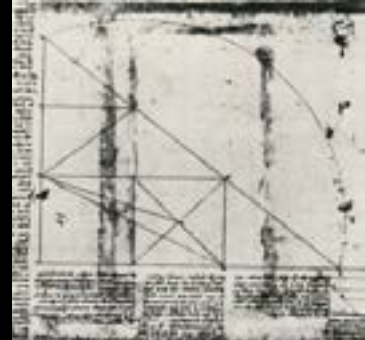


*Antic Egyptian Garden in Thebes*

very messy and unclear and then we put another layer of tracing paper over it and we keep the “good” lines and discard the “bad” ones, and then elaborate on those, and make new mistakes, and have to put on a third layer of tracing paper. In my case this process usually reaches seven to ten layers, with days of lingering in between. You leave the drawing on your desk, you go away, then you come back... finally the drawing becomes less and less ambiguous, more and more defined and you can have it drawn by a computer.

In the process of drawing architectural sketches, our hand helps us to crystallize what our mind conceives. There is a direct connection between the hand which draws and the mind which thinks, and I fail to see this straightforward connection when designing on a computer screen because the computer does not allow for ambiguity.

There was a symposium recently – 2012 – at Yale University on the value of architectural drawing and whether it is a lost art. Understandably Michael Graves was one of the main speakers for he is one of the few architects whose



*Leonardo's sketch*

sketches are more famous – and perhaps more important – than his buildings. His drawings are part of the permanent collections of major museums around the world: Metropolitan Museum, the Museum of Modern Art, even the Tehran Museum of Contemporary Art... Graves says that there are three types of architectural drawings: the referential sketch, the preparatory study and the definitive drawing. “The definitive drawing, the final and most developed of the three, is almost universally produced on the computer nowadays, and that is appropriate,” says Graves. He adds: “The referential sketch serves as a visual diary, a record of an architect’s discovery. It can be as simple as a shorthand notation of a design concept or can describe details of a larger composition... It’s not likely to represent reality, but rather to capture an idea... The drawing is a reminder of the idea that caused me to record it in the first place... That visceral connection cannot be replicated by the computer.” And finally he defines the preparatory study as layer upon layer of design development, the way I have described it earlier. Graves ended his

## CURATOR'S NOTE

Since the dawn of times, mankind has been involved with architecture: from the arrangement of caves to building huts and primitive shelters some 100,000 years ago to dwelling in sophisticated buildings of our times. But when did we start drawing, and by thus doing, planning and designing what we were going to build? The earliest architectural drawing we have is an Egyptian garden plan dated 2100 BC. It is carved on limestone and resembles almost precisely the actual garden built in front of the temple at El Dier near Memphis. Then we have a drawing of an Egyptian building: the ground plan of

the Palace of Nur Adad in Larsa, dated 1865-1850 BC.

And again from Egypt we have this marvelous drawing from a garden water basin, with the elevations of trees and plants on its four sides.

This is a garden in Thebes and the drawing dates 1200 BC. This type of drawing which combines plan and elevations in a naïve style has often been used by architects. Hassan Fathy who was an Egyptian himself, produced many such drawings and one of my favorites of his drawings is this sketch for a house for Abd el Razik in High Egypt.

*Garden of El Dier Temple*



*Nur Adad Palace*

I also very much like this one Nader Ardalan, himself very fond of Hassan Fathy, drew for the Fin Garden in Kashan, printed in *The Sense of Unity*.

Greek civilization elevated architecture to the domain of art and science and it is expected that the Greeks would first make elaborate drawings for their constructions, but unfortunately nothing has survived. With Vitruvius we have a wealth of architectural drawings in

Roman civilization. This very cursory historical review would not be fair without a word about Leonardo Da Vinci. I find his geometric analysis of the square and circle very seminal, and suspect that Le Corbusier had seen it before doing his nautilus-like sketch of squares in Fibonacci series.

In general Italian Renaissance men have left us a wealth of architectural sketches, and Palladio is the most proliferate one among them.

As for our own country, I have not yet found any architectural drawing from

Opening: Friday, August 15,2014 from 4 to 9 pm  
Open to the public every day from 5 to 8 pm  
The exhibition will be on view until September 1

No.7 ,2nd Street, Hassan Seyf Avenue, Sanaat Sq., Shahrake Gharb  
+98 21 88364974 . 88093255 . 88075268

---

w w w . a r c h c a . c o m  
w w w . r o u g e g a l l e r y . i r